

### رساله انواریه



■ محمد شریف  
■ نظام‌الدین احمد بن  
الهروی  
■ امیرکبیر  
■ ۱۳۶۳

این اثر به اهتمام آستیم و با مقدمه حسین ضیایی در قالب کتاب چاپ شده است. هانری کربن در مقدمه خود بر مجموعه دوم مصنفات شیخ اشراق، به نسخه انواریه اشاره می‌کند و ارزش آن را فراتر از صرفاً یک حاشیه بر حکمه الاشراق می‌داند. کربن قائل است به اینکه ارزش انواریه در آن است که هر وی توفیق یافته تا شرح مبسوطی، به زبان فارسی، بر مقدمه قسمت اول و تمامی قسمت دوم کتاب حکمه الاشراق بنگارد.

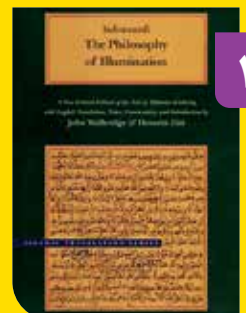
### معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی



■ سیدحسین ضیایی  
■ فرزانه روز  
■ ۱۳۸۹

این کتاب حاصل تحقیقات چندین ساله درباره ساختار و مبانی منطقی فلسفه اشراق است که بار اول پانزده سال پیش در سلسله انتشارات دانشگاه براون به چاپ رسید. مولف در پیش‌گفتار کتاب هدف از تألیف کتاب معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی را شناساندن نظام فلسفی شهاب‌الدین به اهل فلسفه غرب دانسته است.

### پرتونامه



■ شهاب‌الدین  
سهروردی  
■ سیدحسین ضیایی  
■ ۱۹۹۸

کتاب پرتونامه نام کتابی است از شهاب‌الدین سهروردی که از منابع ارزشمند فارسی فلسفه شمرده می‌شود و به موضوعات منطقی، فیزیک و متافیزیک می‌پردازد. این کتاب در سال ۱۹۹۸ توسط حسین ضیایی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. این کتاب برای سلیمان شاه سلجوقی که گفته می‌شد از حامیان بزرگ فلسفه بوده است نوشته شده است.

# حکیم اشراقی در اقلیم هشتم

## به یاد سیدحسین ضیایی و چند پرده مکاتبه با او

### احمد بستانی نویسنده و پژوهشگر

سیدحسین ضیایی در ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی او ابتدا در زمینه فیزیک و ریاضی در دانشگاه بییل بود و سپس برای تحصیل در فلسفه اسلامی به هاروارد رفت و زیر نظر محسن مهدی به پژوهش پرداخت و در سال ۱۹۷۶ به دفاع از رساله دکترایش درباره «معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی» پرداخت. ضیایی سپس به ایران بازگشت و به تدریس در دانشگاه‌های تهران و شریف پرداخت. سال‌ها بعد دوباره به آمریکا بازگشت و پس از چند سال تدریس و پژوهش در دانشگاه‌های مختلف، از جمله دانشگاه براون و کالج اوبرلین، در سال ۱۹۸۸ میلادی به تأسیس مرکز مطالعات اسلامی و ایرانی در دانشگاه UCLA کالیفرنیا همت گمارد و تا پایان عمرش در این مرکز مشغول خدمت به فرهنگ و اندیشه ایرانی بود. او ضمن تربیت شاگردان متعدد، که اکنون استادانی شایسته هستند، با تأسیس مجموعه «کتابخانه ایرانی» و مدیریت آن بسیاری از آثار مهم حوزه اندیشه اسلامی و ادب پارسی را، در قالب تصحیح متون و ترجمه به زبان انگلیسی، به غربیان معرفی کرد. علاقه پژوهشی ویژه او اندیشه ایرانی پس از ابن‌سینا بود و تردیدی نیست که بخش مهمی از آشنایی غربیان با فلسفه ایرانی پس از قرن چهارم، به ویژه در زبان انگلیسی، مدیون تلاش‌های بی‌وقفه اوست.

از حسین ضیایی آثار متعددی به جا مانده است. نخستین کتاب فارسی در زمینه فلسفه ریاضی به همت او و با همکاری دانشجویانش در دانشگاه صنعتی شریف منتشر شد. با این حال تمرکز اصلی وی بر سهروردی و حکمت اشراق بود و بی‌شک او را باید از برجسته‌ترین سهروردی‌شناسان معاصر دانست. در حوزه سهروردی‌شناسی، پژوهش‌های ضیایی را می‌توان در سه دسته قرار داد: نخست تصحیح انتقادی متون مهم اشراقی از جمله شرح شهرزوری بر «حکمه الاشراق» که

نخستین شرح مهم بر این رساله بود و شارحان بعدی به ویژه قطب‌الدین شیرازی و ملاصدرا شیرازی را از خود متأثر ساخت، «انواریه» نظام‌الدین هر وی که شرحی است عرفانی بر رساله «حکمه الاشراق» به زبان فارسی و کتاب «التنقیحات» که شرحی از این کمونه بر رساله «تلویحات» سهروردی. همچنین طبق اطلاع نگارنده، آن مرحوم تصحیح رساله‌های «نور الفواد» و «تعلیقات ملاصدرا بر شرح حکمه الاشراق» را به پایان برده بود که مع الاسف عمرش به انتشار این دو اثر مهم کفاف نداد و امید است که شاگردان و متخصصان هم‌فکر او کار را به انجام برسانند. دوم ترجمه آثار اشراقی به زبان انگلیسی: از جمله ترجمه «حکمه الاشراق» (با همکاری جان والبریج)، ترجمه «پرتونامه» و ویرایش ترجمه رسائل رمزی فارسی سهروردی از تکستون. سوم کتب و مقالات متعدد درباره وجوه مختلف حکمه الاشراق به زبان‌های فارسی و انگلیسی که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «معرفت و اشراق»، «پژوهشی در آیین سیاسی اشراقی سهروردی» و «معرفی و بررسی نسخه خطی الشجره الالهیه» اشاره کرد. ضیایی همچنین نگارش مدخل‌های مربوط به سهروردی و حکمت اشراق (و گاه فلسفه اسلامی) در مراجع مهم غربی از جمله «دایره‌المعارف اسلام» لایدن، «تاریخ فلسفه اسلامی» (به کوشش حسین نصر و الیور لیمن) و مجموعه‌های آکسفورد و کمبریج درباره فلسفه اسلامی را بر عهده داشت.

ضیایی نگرشی ویژه به فلسفه اسلامی داشت و تفسیرش از حکمت اشراق سهروردی بسیار بدیع و جالب توجه بود. لازم به ذکر است که پژوهشگران غربی حکمت اشراقی را به واسطه تحقیقات گسترده هانری کربن، و پس از وی سیدحسین نصر، می‌شناسند و تا دو سه دهه قبل، درک خاص این دو بر عموم پژوهش‌های غربی مربوط به سهروردی سایه افکنده بود. هانری کربن توجهی ویژه به تصوف و الهیات عرفانی داشت و سنت فلسفه اسلامی را هم بر همین مبنا تفسیر می‌کرد. او اعتقاد داشت تفکر عقلی محض مختص غربیان است و مشرق

زمین رو به اشراق و شهود دارد و البته این نکته را برجسته‌ترین وجه مثبت حکمت شرقی می‌دانست. کربن تمامی سنت فلسفه اسلامی، حتی ابن‌سینا و فارابی، را بر مبنای «حکمت مشرقی» تفسیر می‌کرد و معتقد بود این سیر با حکمه الاشراق سهروردی به اوج تکامل خود رسید. از میان ایرانیان، مرحوم مهدی حائری نخستین کسی بود که، تا حدی تحت تأثیر سنت فلسفه آنگلساکسون، بر ضرورت نگرش تحلیلی و منطقی به فلسفه اسلامی پای فشرده. تأکید حائری بیشتر بر ابن‌سینا و سنت مشایی بود اما ضیایی حکمت اشراق سهروردی را با بهره‌گیری از اسلوب‌های منطقی و معرفت‌شناسانه تفسیر می‌کرد و این امر از جهانی‌شدن مایه تعجب باشد، زیرا حکمت اشراقی دارای رگه‌های قوی عرفانی و شهودی است. به گمان ضیایی نگرش عرفانی به فلسفه اسلامی حاصل جهل، و گاه غرض‌ورزی مستشرقان است و درصدد القای این نکته که شرقیان اندیشه عقلی و بحث استدلالی را بر نمی‌تابند. ضیایی بر ضرورت فهم حکمت اشراقی به مثابه نظامی منطقی-معرفتی پای می‌فشرده و از هانری کربن گله داشت که چرا بخش‌های طبیعیات و منطق را در برخی آثار اشراقی (به ویژه «تلویحات» شیخ اشراق) نادیده گرفته و به طبع و انتشار بخش الهیات بسنده کرده است. وی فهم کربن از حکمت اشراقی به مثابه تنوزوفی (theosophy) را مایه گمراهی می‌دانست و معتقد بود چنین تعبیری وجه عقلانی فلسفه اسلامی را نادیده انگاشته و آن را به جادوگری و علوم غریبه و خفیه فرومی‌کاهد. ابتکار مهم ضیایی نشان دادن این نکته بود که در اندیشه سهروردی، اشراق را نباید به عرفان عملی و ریاضت محدود کرد، بلکه اشراق فرآیندی است معرفت‌شناختی که شیخ اشراق آن را درون دستگاه فلسفی-معرفتی بدیعی مطرح کرده است. به عنوان نمونه، «حدس»، که برای نخستین بار در آثار ابن‌سینا مطرح شد، به معنای دریافت حقایق از طریق اتصال به عقل فعال بدون امتداد زمانی، توسط شیخ اشراق توسعه یافته و به عنصری معرفت‌شناختی بدل شد. مفهوم حدس و دیگر مفاهیم اشراقی